۱ ـ دراینجا رفقا امکاناتشان را جمع میکنند وبه تهران بازمیگردنندو این نشان‌دهنده عدم استقلال‌کافی و اتکای‌زیاد به رفیق سعید‌میبود وداشتن اطلاعات‌زیاد رفیق‌و سازماندهی غلط‌رفقا بوده است،رفقا میتوانستند یک‌عقب نشینی تاکتیکی کنند یعنی ازمازندران خارج نشوندو ازامکانات‌پشت‌جبهه شان استفاده نمایند ودوباره حرکت‌کرده وسازماندهی کنندو حرکاتشان‌را در مازندران دنبال نمایند .ازاین اشتباه رفقا این نتیجه گرفته میشود که وقتی سازمان دریک‌منطقه شروع‌به سازماندهی میکند باید این سازماندهی طوری‌باشد که اگر رفیقی ضربه خورد رفقا بتوانند کارشان‌را دنبال کنند .

۲ ـ رفقا وقتی جوانمازندران را مناسب میبینند سریع شروع‌به گرفتن پایگاه میکنند این حرکت‌رفقا نشان میدهدکه کار به آرامی‌وبا برنامه ریزی دقیق انجام نشده است ماباید کارهارا آرام ولی دقیق انجام دهیم شاخه ها را طوری دریک‌منطقه سازماندهی کنیم که حداقل ضربه راداشته باشند ، زیرادر شهرهای کوچک‌احتمال‌تعقیب‌بودرنتیجه احتمال ضربه زیاداست .

۳ ـ چون درمازندران بیشتراز ظرفیت‌خود پایگاه وجود داشت‌لذا رفقا اگرموارد همدیگررا میدیدند برای‌اینکه شهرهای شمال کوچک‌است .

۴ ـ باوجوداینکه ما چندین‌بار تجربه کرده‌ایم که ماشین‌یا موتوری‌که در پایگاه است‌باید آماده وسالم باشد ولی درعمل به‌این مسئله کم بهاداده شده‌است . واین‌ناشی ازسرسری گرفتن مسائل‌و کم بها دادن رفقا به‌امر تخلیه بوده است .

۵ ـ دراینجا رفیق پاشاکی اشتباه فاحشی مرتکب میشود ویک رفیق‌خلقی‌را جلو پایگاه برده واثاثیه را تخلیه میکند انتقادات‌زیر بنظرمیرسد .

الف ـ به رفیق پاشاکی‌انتقاد وارداست‌که پایگاه‌رابه یک‌رفیق‌خلقی نشان داد (پایگاه آمل) .

ب ـ دراینجابه رفیق مسئول‌نظامی پایگاه‌انتقاد وارداست‌که باوحرکت‌رفیق‌با

ب- دراینجابه رفیق مسئول نظامی پایگاه، انتقادوارداست که جلوی حرکت رفیق پا شاکی رانگرفته است، و لیبرالیستی بامسئله برخورد کرده .

پ -به سازمان انتقادوارداست که بدون درنظرگرفتن کارآئی نظامی رفیق پاشاکی مسئولیت سنگینی بعهده اوگذارده بود درصورتیکه رفیق تجربه کمی داشتو ازنظر تشکیلاتی توجیه نشده بود واین برمیگردد به ضعف سازمان وعدم اطلاع سازمان از کارآئی رفقا . رفیق پاشاکی اگر چه ازنظرتئوری قوی بودولی کارآئی نظامی وتشکیلاتی نداشت وبعدازضربه خوردن رفیق بهمن نتوانست دسته مازندران راجمع وجورکند

ت -به کلیه رفقا انتقادوارداست که رانندگی نمیدانستند درهرشاخه حداقل باید دونفررانندگی بدانند .

٦- دراینجابه رفیق بهمن انتقادوارداست که فراموش کرده به پایگاه تلفن بزندو ورودرفیق(؟) راتغییربدهد . این اشتباه باعث اشتباه بزرگتری شد مازاین حرکت رفیق یکباردیگراین نتیجه رامیگیریم که رفقا بایدبه قراردادها دقت زیادی داشته باشند وسازمان شدیداً بااین مسئله برخورد کند .

٧- (٢٤) قبلا گفته بودکه نمیتواندمخفی شودمولی رفیق پاشاکی دوباره عقب رفته وپایگاه رابه اونشان داده است.؟

رفیق پاشاکی اگرحرف(٢٤) رابه مسئول دسته نگفته باشد دراین صورت به اوانتقاد واردواست که بامسئله (٢٤) متعهدانه برخورد نکرده ، ودچاروحیه لیبرالیستی شده است، اگراین مسئله رابه مسئول دسته گفته ورفیق بهمن برخورجدی نکرده باشد به رفیق بهمن انتقادوارداست که تصمیم قاطعی درمورد (٢٤) نگرفته است، ازحرکت (٢٤) به این نتیجه میرسیم که درموردمسائل باید باقاطعیت تصمیم بگیریم ودنبال عناصر متزلزل وترسو نرویم ودرمقوگیری ی اورادضوابط محکم واستواری بکاربریم (این ضوابط درحال حاضردرسازمان اجرامیشود .)

٨- علت اینکه بچه ترتیب اگررفقای دسته اوعمل عالمزادباخبرشده بودنداطلاع

دقیقی نداریم وآنچه مسلم است حرکت رفقا درارابطه با عمل عالمزاد اشتباه بوده میبایست فقط شاخه ای از این عمل مطلع میشد که انجامش بعهده او گذاشته شده بود وفقط رفقای شورا هستند که دراین مورد از عمل اطلاع دارند .

۹ ـ علت اینکه بچه ترتیبی پایگاه ساری لورفته دقیقاً معلوم نیست وحدسهای زیر وجود دارد .

الف ـ رفیق بهمن که دوماه قبل از درگیریهای مازندران ازتهران بطرف مازندران حرکت میکرده درپلیس راه آمل جلوماشین اورا میگیرند وچون چراغ ماشین رفیق کم نور بوده به او میگویند که گواهینامه ات را درپاسگاه بگذار وبرو چراغ ترا درست کن بعداً بیا گواهینامه ات را بگیر ، رفیق بهمن گواهینامه اشرا درپاسگاه میگذارد . . (گواهینامه او مربوط به زمان علنیش بوده است) وماشین را میبرد وبرای گرفتن گواهینامه رجوع نمیکند رفیق بهمن از طریق گواهینامه لومیرود وحرکتش درمازندران برای دشمن مشخص میشود . بعداز درگیری رفیق بهمن پایگاه ساری لومیرود همچنین از تعقیب رفیق بهمن به بعضی عناصر علنی هم میرسند منجمله یك زن وشوهر درپابل بود ند که هردوی آنها دستگیر شدند وبه حبس ابد محکوم گشتند . امکان دارد که خود (M) هم که علنی بوده از طریق ردگیری رفیق بهمن لورفته باشد .

ب ـ درموقعی که پایگاه ساری لومیرود رفیق بهمن درتهران دستگیر شده بود وچون این پایگاه پشت جبهه وهسته دسته بود وقرارداد رفیق بهمن این بوده که وقتی دستگیر میشود میتواند این پایگاه رابگوید لذا امکان دارد که رفیق طبق قرارداد عمل کرده وپایگاه راگفته باشد ولی آنچه برای ما مسلم شده است رفیق بهمن ازطریق تصر دیقش لورفته وپلیس باشناخت قبلی از مسیرحرکت رفیق اورا دستگیر کرده است .

۱۰ ـ رفقا زهرا قلمکی وباشاکی نمیبایستی به پایگاه ساری میرفتند زیرا درآن موقع رفیق بهمن درتهران بوده وسلامتی نداده بود میبایست زمانی ازپایگاه ساری استفا ده میشد که خبرسلامتی رفقائی که درارابطه باپایگاه بودند گرفته میشد دراینجا به [redacted] ، (۳)

به رفیق پاشاکی (معاون دسته) وسایر رفقا انتقاد وارد است که بدون گرفتن سلامتی از رفیق بهمن تصمیم به رفتن پایگاه سازمان میگیرند .

۱۱ ـ در اینجا رفیق پاشاکی نمیبایست به پایگاه مراجعت میکرد زیرا امکان اینکه رفیق دختر آنچنان جوابی بدهد وجود نداشت، در اینجا خوشخیالی رفیق پاشاکی و سرسری برخورد کردن با مسائل باعث شد که رفیق به پایگاه سازمان رجوع کند و این حرکت خود ناشی از ضعف تشکیلاتی و نداشتن تجربه کافی رفیق بوده است . رفیق با وجود اینکه در مسیر پایگاه دو پاسبان مسلح را میبیند ولی هوشیار نمیشود .

۱۲ ـ رفیق سلاح میکشد ولی شلیک نمیکند که این حرکت ناشی از ضعف نظامی رفیق و متزلزل بودن تصمیم گیری او در موقع درگیری بوده . رفیق میبایست همان جا هر دو نفر دشمن را میزد زیرا بدون اینکه شلیک کند عقب گرد کرده و فرار میکند و دشمن مسلح را به دنبال خود فرار میکند و اگر آن دو نفر کمی تجربه داشتند حتما رفیق را میزدند .

۱۳ ـ برخورد رفیق پاشاکی با کنترل شدن تلفن خیلی ذهنی بوده زیرا از کاربر تلفن زده میشد و اگر تلفن پایگاه آمل لو رفته بود باشد پلیس به هیچ کجا نمیتوانست برشد .

۱٤ ـ هیچ لزومی برای مصادره ماشین نبوده است تا زمانی ماشین مصادره میکنیم که تحت تعقیب باشیم و بخواهیم از محاصره دشمن بگریزیم .

۱۵ ـ رفیق (ع) وقتی به پایگاه آمل تلفن زد و دید جواب نمیدهد نباید به آمل رفته و به پایگاه نزدیک میشد ، در اینجا رفیق خوشخیال شده و دچار روحیه ماجراجو ـ جوئی شده است .

۱٦ ـ علت لو رفتن پایگاه آمل احتمالا یکی از عوامل زیر است :

الف ـ موقعی که پایگاه آمل لو میرود (۸۸) که علنی بوده و پایگاه را میدانسته بوسیله پلیس دستگیر شده بود و احتمال دارد پایگاه را لو داده باشد .

ب ـ از طریق ردگیری رفیق بهمن به پایگاه رسیده باشند .

۱۷ ـ دراینجا رفیق‌باشاکی میخواست کیسارئ تابابل‌را از جاده خاکی وتکه تکه برود وفکرمیکرد جاده راخواهندبست آنطوریکه ازدشمن‌شناخت داریم وپیدا نمیبعد ازهردرگیری قادرنیست سریعاً جاده هارابیندد واین‌حرکت مدتی طول خواهد کشید وهمچنین‌تا ضرورت آن رااحساس‌نکند (فرارورفیق‌از پایگاه) جاده رانخواهد بست .

۱۸ ـ دراینجارفقابه منزل یکی ازرفقای علنی میروند وازآنجا تلفن‌میزنند که این حرکت درست‌نبوده واگریکی ازتلفنها کنترل‌بود تلفن رفیق علنی لومیرفت .

۱۹ ـ خانه رفیق‌علنی احتمالاً ازتعقیب رفقای مخفی لورفته وخانه تحت‌نظربوده است بنابراین امکان‌اینکه تلفن‌آنها کنترل میشده وجودداشت .

۲۰ ـ دراینجا رفیق‌باشاکی حق‌نداشته ماشین مصادره کند زیرامسئول نظامی‌او یعنی رفیق (ه) همراهش‌بوده ودراینجا رفیق‌باشاکی ضوابط‌سازمانی‌را اجرانکرده است .

۲۱ ـ دراینجا رفقابایست‌کی بارانده گلاویز میشدند وهنگامیکه دیدند حرکت‌آنها نتیجه ندارد راننده را رهامیکردند چرا بوسیله پلیس‌تعقیب نمیشدند این‌حرکت باعث نیشد که هم‌وقت‌رفقا تلف‌شود وهم عده بیشتری‌از مردم جمع‌شوند ودرنتیجه امکان‌دررفتن کم‌گردد موسمکزبوداین‌حرکت‌باعث درگیری‌بامردم شود .

۲۲ ـ این‌رفیق‌علنی که بطرف‌خانه میرفت برادر همان‌رفیق‌علنی بوده که ازخانه بارفقا بیرون‌آمده بود دراینجا رفقامیبایست‌ماشین‌را نگه میداشته وآن‌رفیق‌راسوار میکردند ، به رفقامخصوصاً مسئول‌نظامی‌رفقا انتقاد وارداست دریک لحظه فراموش‌کرده بودند که درمقابل آن‌رفیق‌هم مسئولند وچون‌رفقا تحت‌تعقیب مستقیم پلیس‌نبودند میبایست پیاده میشدند وآن‌رفیق‌راباخبر میکردند آن‌رفیق‌نزدیک‌خانه که میرسید به اوبایست میدهند واورابه رگبارمسلسل میبندند ولی‌رفیق‌فرارمیکندوبه مشهدمیرودومدت‌چهار ماه درمشهد زندگی میکند وبعد دیرخیابان شاهرضا اطراف باغ‌فادری درگیرمیشود

از عقب پای او را به گلوله میبندند و او را دستگیر کرده و به حبس ابد محکوم میکنند (رفیق شکری)

۲۳ ـ عده ای از افراد داخل کوچه مردم بوده اند لذا تعدادی از آنها زخمی میشوند

۲۴ ـ در اینجا حرکت رفیق علی آبادی درست نبوده زیرا امکان داشت وقتی رفیق حسن ـ پور از بالای دیوار نگاه میکند او را بزنند و اگر رفیق دیده میشد محل رفقا برای دشمن لو میرفت و احتمال داشت که دشمن نارنج پرتاب کند رفیق علی آبادی میتوانست با یک خیز پشت دیوار را نگاه کند ، در اینجا رفیق علی آبادی بخودش بهای بیشتری داده و فراموش کرده که مسئول رفیق حسن پور است و او باید تن بخطر بدهد نه رفیق حسن پور . رفیق در اینجا اصول چریکی را نقض کرده ، این خصلت ناشی از ضعف رفیق علی آبادی بوده است بعداً هم خواهیم دید که این ضعف در موارد دیگر هم بروز کرده است .

۲۵ ـ در اینجا رفیق علی آبادی بود که میبایست نارنجش را به کوچه پرتاب میکرد و مسیر را برای حرکت رفیق حسن پور پاک میکرد زیرا رفیق علی آبادی مسلح به نارنج مسلسل کلاشینکف و سلاح پاراشوت بوده است همین دستور اشتباه رفیق علی آبادی باعث شهید شدن رفیق حسن پور شد ، رفقای مسئول نظامی باید بخاطر داشته باشند که اگر خطری در رابطه با پایگاه وجود دارد باید خودشان این خطر را تقبل کنند و سینه به دشمن دهند همانطور که بارها در درگیریها دیده ایم رفقای مسئول خودشان را فدای رفقا کرده اند نمونه بارز این رفقا رفیق صفاری آشتیانی است . در اینجا به سازمان انتقاد وارد است که رفیق علی آبادی را مسئول پایگاه کرده است ما باید از چگونگی برخورد رفقا با مسئولیتشا ـ ن شناخت کاملی داشته باشیم تا در تقسیم مسئولیت به رفقا دچار ذهنیگری نشویم .

۲۶ ـ دو احتمال برای لو رفتن تیم گرگان وجود دارد :

الف ـ رفیق زهرا قلهکی پایگاه را گفته باشد و طبق قرارداد عمل نکرده باشد که در اینجا شکل سازماندهی ما اشتباه بود ، لزومی ندارد نداشته که آن رفیق دو پایگاه را بداند . اگر

سازماندهی ما محکم باشد لزومی ندارد که ما روی تعهد انقلابی رفقا حساب کنیم ضرورت شناخت حداکثر یک پایگاه بوسیله رفقا وجود دارد .

ب ـ امکان دارد از طریق رد گیری رفیق بهمن به پایگاه رسیده باشند * یا رفیق بهمن پایگاه را لو داده باشد که احتمال آن خیلی کم است .

پ ـ رفیق مسرور میرود به پایگاه پشت جبهه در گرگان که رفیق قلهکی به آنجا تلفن بزند و چون فاصله پایگاه پشت جبهه با پایگاهی که درگیر شدند کم بوده لذا ممکن است رفیق مسرور را تعقیب کرده و به پایگاه رسیده باشند .

۲۷ ـ اشتباه رفقا این بود که پایگاه یکماه گرفته شده بود و طرح دفاعی نداشت رفقای مسئول هر پایگاه باید به مجرد گرفتن پایگاه طرح دفاعی آنرا نوشته و اجرا کنند زیرا هر لحظه امکان درگیری با دشمن وجود دارد ، در اینجا به رفیق مسئول این دسته انتقاد وارد است .

۲۸ ـ رفقا میبایست وقتی رفیق قلهکی ورود نکرد صبح زود پایگاه را تخلیه میکردند ولی در نحوه درگیری مشخص است که پایگاه تا ساعت ۱۴ روز بعد از ظهر تخلیه نشده بود که بهمه رفیق مسئول انتقاد وارد است . میتوانستیم رفیق قلهکی را به پایلاه ساری بفرستیم و تا ظهر سلامتیش را بدهد که رفقا امکان داشته باشند پایگاه را تخلیه کنند (همانطور که گفته شد رفتن رفیق قلهکی به پایگاه ساری کلاً درست نبوده است .)

۲۹ ـ رفقا خوشخیال شده و بهای لازم را نمیدهند و همتن خوشخیالی باعث محاصره شدن پایگاه شد رفقا هوشیاری چریکی را فراموش کرده بودند و با بی تفاوتی از اتفاقی که افتاده بود گذشتند ، در اینجا اگر یکی از رفقا (رفیق دختر) بیرون میرفت و اطراف پایگاه را چک میکرد حتماً متوجه پلیسی شدن منطقه میشد .

۳۰ ـ احتمالاً رفیق مسرور بوسیله شلیک سهوی رفیق دختر شهید شده است زیرا رفیق

---

* پایگاه تلفن نداشته لذا امکان اینکه شماره تلفنش در جیب رفیق بهمن باشد خیلی کم است .

دختر پشت سر رفیق مسرور حرکت میکرده و دستش روی ماشه بوده است و بعد از درگیری رفیق دختر متوجه میشود که یکی از گلوله های اسلحه اش شلیک شده در صورتیکه رفیق دختر بخاطر ندارد که بطرف دشمن تیراندازی کرده باشد . از شهید شدن رفیق مسرور فرهنگ این نتیجه را میگیریم که رفقا موقع درگیری متوجه باشند که رفیقشان را نزنند و موقع تمرین حرکات نظامی میتوان تمرین این حرکت را کرد .

۳۱ ـ در اینجا رفقا میبایست سویچ را از راننده میگرفتند و اگر راننده مخالفت میکرد یک تیر هوایی شلیک میکردند . برخورد رفقا با راننده این جرأت را به راننده داده که فرار کنند .

۳۲ ـ رفتن رفیق نهانی به ساری و اطراف پایگاه درست نبوده است مخصوصاً تیم رفیق با دست شکسته مشخص بوده است وقتی پایگاهی درگیر میشود تا چندین روز اطراف آن پلیس میشود و نباید به اطراف پایگاه رفت ، در اینجا به رفیق نهانی انتقاد وارد است .

۳۳ ـ رفقای تیم شاهی وقتی پایگاه را تخلیه کردند میتوانستند به امکانات پشت جبهه ـ شان بروند وقتی مطمئن شدند که پایگاه سالم است و رفیق نهانی شهید شده است برگردند نمیبایست منطقه مازندران را تخلیه میکردند .